

کلرمان صفامنش

یعقوب رشتجیان

بهرز منادی زاده

ساختار کالبدی شهر تبریز و تحول آن در دوره اخیر

نوشته ای که در بی می آید، با هدف بررسی دگرگونی ها و تحولات ساختار شهری بخشی از بافت قدیم مرکز شهر تبریز، در گذشته اخیر تدوین شده است. از این رو، تاریخ عمومی شهر تبریز در یک نگاه گذرا و در حد یک کوتاه مطرح شده و توجه اصلی نوشته، به تاریخ تحولات ساختار شهری در یکصد و پنجاه سال گذشته معطوف گردیده است.

بر خلاف بررسی های متداول شهرشناسانه، که تاریخ عمومی را بسیار مورد توجه قرار می دهند و در برابر، پیشینه شکل شهر و تغییر و تحولات تاریخی ساختار شهری را کم اهمیت قرار می دهند، این نوشته بر آن است که فشرده ای از تاریخ شکل گیری ساختار شهری و دگرگونی های آن در چند سده گذشته را ارائه کند. به همین دلیل، در تهیه این مقاله بررسی و تجزیه و تحلیل نقشه های تاریخی رکن اصلی مطالعات قرار گرفته و از اسناد و مدارک نوشتاری در رابطه با آن استفاده شده است. بدین ترتیب بسیاری از استنتاج های مربوط به دگرگونی های کالبدی-عملکردی بافت شهری، از راه مقایسه و تطبیق نقشه های موجود به دست آمده است.^۱

افزون بر این، بررسی و برداشت میدانی، نقش بسیار مؤثری در تدوین این نوشته داشته است. این مهم، از یک سو از طریق انطباق و مقایسه اطلاعات روی نقشه ها با وضع موجود؛ و از سوی دیگر از طریق مصاحبه با افراد آگاه در محل و تهیه شناسنامه برای ساختمان ها و قطعه های ملکی دارای پیشینه تاریخی به انجام رسیده است.

درآمدی کوتاه بر تاریخ تبریز

درباره قدمت تبریز نظرات گوناگونی برآز شده است، تا آنجا که برخی از محققان پیدایش آن را از زمان مادها دانسته اند. مینورسکی تسمیه تبریز را با جنبش‌های آتشفشانی کوه سهند مرتبط دانسته و نام گذاری شهر را به قبل از دوره ساسانی و شاید اشکانی نسبت داده است. حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب* (۷۳۰ق/۱۳۴۰م) بنای تبریز را به سال ۱۷۵ق/۷۹۱م به زبیده خاتون همسر هارون الرشید نسبت داده است که شاید ناشی از آن باشد که پس از مصادره املاک امویان اراضی این بخش از آذربایجان به زبیده رسید. لیکن آشکار است که شهر تبریز تا پیش از گزیده شدن به پایتختی ایلخانان در عهد اباق‌خان و پسرش سلطان محمودغازان خان (۶۹۴ق/۱۲۹۵م)، یکی از شهرهای نه چندان بزرگ آذربایجان به شمار می‌رفت، چرا که شرایط بین منطقه‌ای و بین‌المللی برای تبدیل شدن آن به یک شهر بزرگ، تا آن زمان مهیا نشده بود. کثرت وقوع زمین‌لرزه و شدت ویرانگری آن یکی از ویژگی‌های تبریز به شمار می‌رود. اما پس از هر یک از این زمین‌لرزه‌های مهیب تبریز بار دیگر زندگی را از نو آغاز کرده است.

در عهد غازان خان، تبریز به اوج رونق و شکوفایی تاریخ خود رسید و به یکی از مهم‌ترین کانون‌های سیاسی-بازرگانی آن روزگار تبدیل شد. توجه باید داشت که اهمیت یافتن تبریز با دگرگونی شرایط جغرافیای سیاسی و اقتصادی جهان که پس از حمله مغول روی دادی ارتباط نبوده است. زیرا پس از آن بود که مدنیت در اطراف دریای سیاه بارور شد و رابطه بازرگانی میان شرق و غرب فزونی گرفت و به تناسب آن تبریز که بر سر راه شرق به غرب بود اهمیت یافت. جالب توجه است که تبریز بلافاصله پس از مرکزیت یافتن مراغه در زمان هلاکو خان به پایتختی گزیده شد، که این امر از فزونی اهمیت غرب آذربایجان پس از حمله مغول حکایت می‌کند.

راه بازرگانی معروف جاده ابریشم که تا پیش از این دوره، از ری به زنجان و از آنجا به اردبیل و سپس به قفقاز می‌رفت، از طریق سیاه و اوجان به تبریز واصل شد و با عبور از مرند و خوی به قلمرو امپراتوری عثمانی رسید و از طریق استانبول به اروپا وصل شد. پیش از این، راه ارتباطی اصلی تبریز، جاده‌ای بود که از سمت شرق به سوآب و سپس به شهر اردبیل مرکز ایالت آذربایجان می‌رسید و از غرب، پس از عبور از مراغه، به شاخه جنوب غربی جاده ابریشم، که ری را از طریق همدان و کرمانشاه به بغداد وصل می‌کرد. می‌پیوست. به این ترتیب، تبریز به یکی از مهمترین کانون‌های واقع بر شاهراه بازرگانی پراهمیتی تبدیل شد که از شرق به چین و از غرب و شمال غرب به عثمانی و اروپا وصل می‌شد و شاخه جنوبی آن نیز به بغداد، مرکز حکومت اسلامی آن روزگار، می‌رسید.

در سایه داد و ستد دو سویه میان جاده ابریشم و شهر تبریز، گسترش شهر به حدی رسید که طول باروری شهر، که در سده پنجم و به استناد سفرنامه ناصر خسرو ۶۰۰۰ گام بود در دوره حکومت غازان خان به ۲۵۰۰۰ و به روایتی به ۵۴۰۰۰ گام (چهار فرسنگ و نیم) رسید که ده گز پهنا داشت،

چنان که تمام باغات و عمارت حوالی و دیه‌ها و ولیان کوه و سنجانان داخل آن بارو بود و قبل از آنکه این بارو تمام شود غازان خان درگنشت، و گویا باروی غازانی (ساخته شده در ۷۰۲ق) محیط باروی اولی و محلات آن بوده است.

این بارو، بی تردید دو مجموعه پیرامونی تبریز، ربع رشیدی و «شنب‌غازان» و باغ‌ها و بوستانهای گسترده واقع در حد فاصل این دو مجموعه و شهر مرکزی تبریز را نیز در بر می‌گرفته است. در مرآت البلدان ذکر شده است: «قلعه‌ای که غازان خان... برای تبریز بنا نمود دارای پنج دروازه بزرگ و هر دروازه رو به جانب جاده بزرگ شهری باز می‌شده... عرض دیوار این قلعه را ده ذرع و طول آن را پنجاه و چهار هزار قدم و محیط به محلات چرنداب و سرخاب و بیلان کوه و باغات نوشته‌اند». ربع رشیدی یک شهرک دانشگاهی بود که به دستور خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر غازان خان، در سمت شرقی شهر تبریز، در نزدیکی «قلعه» ساخته شده بود. شنب‌غازان ابتدا مکان قصری بود که ارغون در قریه شام (واقع در غرب شهر و در کرانه چپ آبی‌چای) بنا کرده بود و غازان خان در ورود به شهر در آنجا اقامت گزید و در طول دوران پادشاهی خویش عملیات بسیار در آنجا کرد، چنانکه این مجموعه کارکرد سیاسی-اداری یافت و عاقبت نیز مدفن غازان خان شد. امروزه نیز در محل مجموعه شنب‌غازان، یکی از محله‌های شهر تبریز که به همان نام معروف است و در گویش مردم «شام‌غازان» گفته می‌شود قرار دارد.

پس از دوره ایلخانی تبریز همواره به عنوان یکی از شهرهای بزرگ و مهم کشور مطرح بود. درباره تبریز دوره صفویه شاردن می‌نویسد: «... تبریز بزرگترین شهرهای ایران و بعد از اصفهان چه از حیث عظمت و جمعیت و چه از لحاظ مکتب و تجارت اول شهر این مملکت است. این شهر بارو و حصاری ندارد و به نه محله منقسم است... اگر عمارتش عالی نیست ولی بازارهایش از سایر بلاد آبادتر و سقف‌های آن بلندتر است. آمد و شد مردم در این بازارها و کثرت مال‌التجاره دلیل بر کمال آبادی شهر است... مال‌التجاره این شهر به اغلب بلاد عثمانی و مسکو و تاتارستان و هندوستان و سواحل دریای سیاه صادر می‌شود... وی جمعیت شهر را دست کم شصت هزار نفر ذکر کرده است.

شهر تبریز از دوره فتحعلیشاه، از یک سو به دلیل اقامت ولیمهد قاجاری در آن و از سوی دیگر به خاطر نزدیکی به قفقاز، گرجستان و عثمانی، به صورت کانون مبادلات فرهنگی و اقتصادی میان ایران با کشورهای همسایه شمالی و شمال غربی درآمد. گذشته از آن با وقوع جنگ‌های ایران و روس تبریز اهمیت نظامی و سیاسی یافت و نه تنها از طرف دولت ایران بلکه از سوی قدرتهای خارجی آن دوره یعنی انگلستان، روسیه، فرانسه و عثمانی مورد توجه خاص قرار گرفت. از این زمان عباس میرزا با استقرار در تبریز برنامه سازماندهی ارتش ایران را به شیوه غربی آغاز کرد. وی جبهه خانه و کارخانه توپ‌ریزی به راه انداخت که این مقدمه‌ای برپا گرفتن صنایع جدید و ارتباط بیشتر با قفقاز و گرجستان و

استانبول شد. بدین ترتیب شهر تبریز از این زمان تا پایان قاجاریه به عنوان مهم‌ترین شهر کشور پس از تهران مطرح شد و در نیمه دوم حکومت قاجاریه و در جریان انقلاب مشروطیت، به عنوان شهری پیشرو در آزادیخواهی نامی بلند یافت.

ساختار بافت شهری تبریز تا پیش از سال‌های دهه ۱۳۰۰ شمسی

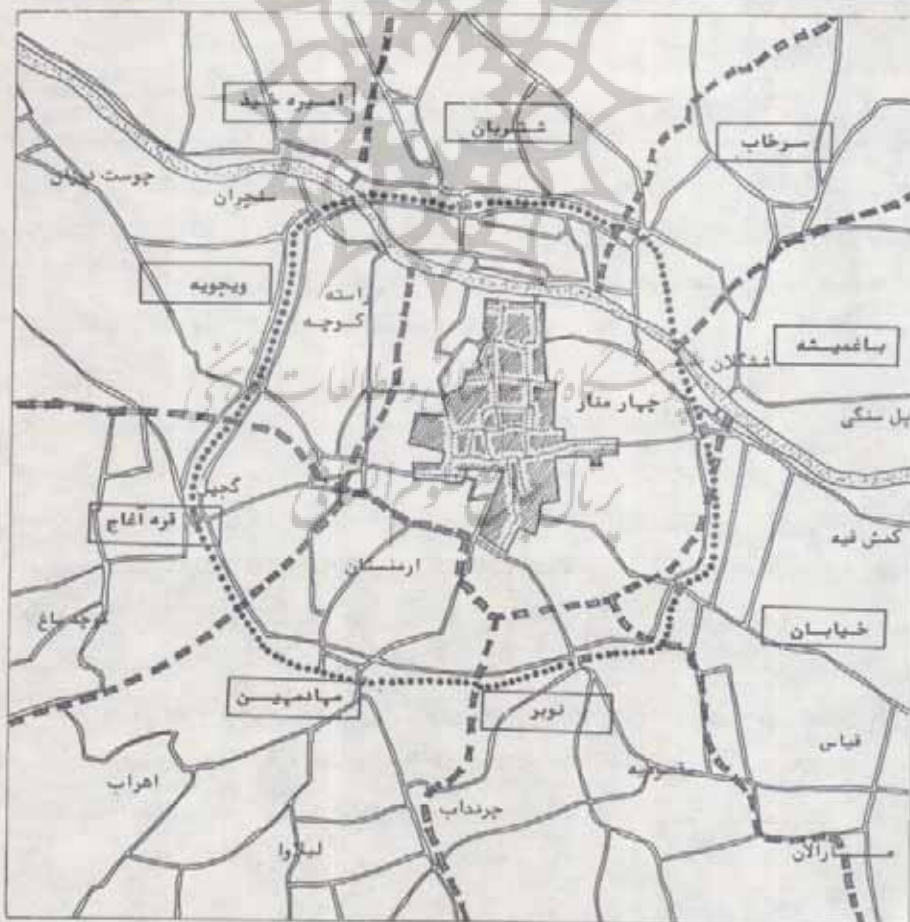
تبریز در دوره قاجاریه، که آنرا سلف مستقیم تبریز امروزی می‌توان دانست، شهری است که نیروی حیاتی خویش را به طور عمده از سه عامل رونق بازرگانی و مرکزیت نظامی و سیاسی کسب می‌کرده است، و این امر معلول موقعیت جغرافیایی این شهر از لحاظ ارتباط دادن ایران و آسیا با روسیه، عثمانی و اروپاست. بازتاب کالبدی سه عامل یاد شده را در پیکر شهر نیز به آسانی می‌توان دید: بازاری بزرگ و ثروتمند، دیوانخانه‌ای گسترده و سربازخانه‌ها و مراکز نظامی چند در پیرامون هسته مرکزی شهر.

مهم‌ترین راه‌هایی که استخوانبندی اصلی شهر را تشکیل می‌دهند یکی راه واصل از دروازه خیابان به دروازه شتربان است که در مسیر راه بین قاره‌ای آسیا به اروپا یعنی جاده ابریشم واقع شده و دیگری که اهمیت کمتری دارد اما قدیمی‌تر است، مسیر میان دروازه گجیل و دروازه باغمیشه است که از شرق به سراب و اردبیل و از غرب به مراغه و کرمانشاه و عتبات و بغداد می‌رسیده است. گذشته از راه دروازه خیابان به دروازه شتربان که درست از درون بازار می‌گذرد، راه میان دروازه نوبر به دروازه استانبول که در داخل شهر کم و بیش به موازات آن یک حرکت می‌کند نیز همان نقش را داشته است، با این تفاوت که این راه اخیر از مسیر طولانی تری با گذشتن از حاشیه بازار فاصله دو دروازه را طی می‌کند.

محور جنوب شرقی-شمال غربی جاده ری-استانبول و محور شمال شرقی-جنوب غربی جاده اردبیل-مراغه، با اندک تغییراتی در راستا، در نزدیکی بافت متراکز شهر، به صورت دو محور شمالی-جنوبی و شرقی-غربی عمود بر هم درآمده‌اند و هسته مرکزی و بازار شهر، در نقطه برخورد آنها شکل گرفته و در طول زمان گسترش یافته است. هسته مرکزی شهر، محدوده نودیک به چهارصد هکتاری دوازدهمین بخش بافت شهر است که در پیرامون مجموعه بازار تبریز قرار دارد و آخرین باروی شهر، تمام گستره آن را در میان می‌گرفته است. آخرین باروی شهر تبریز، که دو دروازه آن هنوز پابرجاست و محدوده شناخته شده‌ای دارد، بارویی بود که پس از آخرین و شدیدترین زلزله تاریخ تبریز (در واپسین شب سال ۱۱۹۳ ق/ژانویه ۱۷۸۰ م)، در حدود سال ۱۲۲۴ ق/۱۸۰۹ م به وسیله نجفقلی خان دنبلی بیگلریگی تبریز، به گرد محدوده مرکزی شهر بنا شد و عباس میرزا به سال ۱۲۴۱ ق/۱۸۲۵ م در اطراف آن خندقی احداث کرد.

این بارو، که فقط محدوده مرکز شهر و به ویژه بازار و دیوانخانه را محافظت می‌کرد، هشت دروازه داشت که بر سر راه مسیرهای اصلی منتهی به مرکز شهر ساخته شده بود. این دروازه‌ها که نام آنها هنوز هم در گفت و گوهای روزانه مردم به کار می‌رود عبارت بودند از: دروازه خیابان و دروازه باغمیشه در شرق، دروازه سرخاب در شمال شرقی، دروازه شتربان (دَوّجی قاپوسی) در شمال، دروازه استانبول (استانبول قاپوسی) در شمال غربی، دروازه گجیل (گجیل قاپوسی) در غرب، دروازه مهادمهین در جنوب و دروازه نویر (نویر قاپوسی) در جنوب شرقی باروی شهر.

جاده ری-استانبول در ابتدای ورود به شهر، پس از درب ری و در راستای مسیر وسیع و مستقیمی که بعدها «خیابان» نامیده شد، به سمت مرکز شهر، در نزدیکی «قورت میدانی» دو شاخه می‌شد. شاخه بالایی در همان راستای «خیابان» پیش می‌رفت و از چهار راه منصور امروزی به طرف غرب، پس از مسجد کبود کارکرد تجاری می‌یافت. این محور که هنوز هم به «بازار کهنه» معروف است، از طریق دروازه خیابان وارد هسته مرکزی شهر می‌شد. شایان ذکر است که مینورسکی احداث «خیابان» را مربوط به زمان شاه صفی صفوی ذکر کرده است. شاخه پایینی نیز از «قورت میدانی» به طرف



آرایش شعاعی محله‌های قدیمی در پیرامون هسته مرکزی شهر

غرب یا کمی تغییر محور به سمت جنوب غربی، از لابه لای بافت مسکونی می گذشت و منطبق بر مسیر کوچه صدر و سپس کوچه حیدرزاده، در غرب گورستان نویر و از طریق دروازه نویر، به هسته مرکزی شهر می پیوست.

شاخه بالایی، پس از دروازه خیابان نیز به صورت بازار سر پوشیده و به نام «بازارچه رنگی» از درون بافت می گذشت و از طریق بازار امیر به مجموعه بازار مرکزی می پیوست. بعدها، دیوانخانه در نزدیکی این مسیر و چسبیده به شرق بازار شکل گرفت و در زمان عباس میرزا، ولیعهد قاجار نیز مسجد شازده (شهدای امروز) در لبه جنوبی این محور ساخته شد.

شاخه پایینی، پس از عبور از دروازه نویر، به شکل یکی از گذرهای اصلی داخل هسته مرکزی، در راستای متمایل به شمال غربی از جنوب بازار می گذشت و به «دیگ باشی» می رسید. ورودی بازار مرکزی، در بخش میانی این مسیر قرار داشت و از طریق دو محور دسترسی به بازار را تأمین می کرد: بازار شیشه گر خانه که در امتداد شمالی خود، در مدخل بازار امیر به شاخه بالایی می پیوست، و کوچه هفت کجگلان که از مقابل ارگ علیشاه تا بازار امتداد داشت و بخش شمالی آن در نزدیکی مجموعه بازار، سر پوشیده بود.

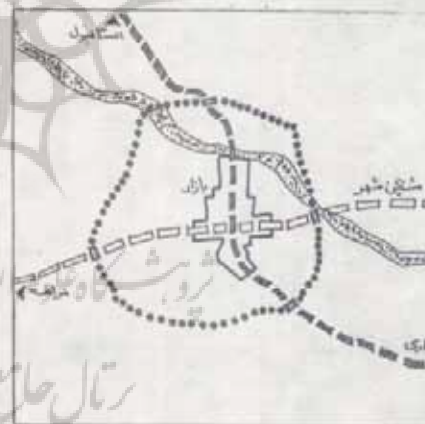
جاده ری-استانبول در امتداد خود، به صورت دو راسته شمالی-جنوبی اصلی بازار، در شمال رودخانه «میدان چای» و مجاورت میدان صاحب آباد، همچنان از دو محور جداگانه، از محدوده مرکزی شهر خارج می شد. محور اصلی از طریق دروازه استانبول به طرف «پل آجی» در منتهی الیه شمال غربی شهر می رفت و محور فرعی نویر، به شکل بازارچه شتریان، پس از دروازه شتریان، محله های شتریان و «امیرخیز» را می پیمود و به محور اصلی می پیوست و به شکل جاده بیرون شهری، به طرف استانبول امتداد می یافت. گذری که دروازه نویر را به دیگ باشی وصل می کرد از طریق میدان انگیج و گذر پشت حصار، از یکی از دو دروازه استانبول و یا دروازه فرعی ویجویه و از طریق پل منجم به محور پیش گفته جاده استانبول می پیوست. «انسانی و مطالعات فرهنگی»
در دوره ولیعهدی عباس میرزا، به منظور انتقال سریع توپهای جنگی به میدان جنگ با روسیه، محور «راسته کوچه»، به صورت یک مسیر مستقیم از دیگ باشی تا نزدیکی رودخانه میدان چای احداث شد و به این ترتیب گذر جد فاضل دروازه نویر و دیگ باشی، از مسیر مستقیم تر و نزدیک تری به دروازه استانبول ارتباط پیدا کرد. به دلیل مستقیم بودن امتداد این محور، گذر احداثی «راسته کوچه» نام گرفت.

جاده اردبیل-مراغه با امتداد شرقی-غربی، پس از پیموند محله های باغمیشه و ششگلان در شرق هسته مرکزی، با عبور از روی «پل قاری» (پیرزن)، به دروازه باغمیشه می رسید. این دروازه که در شمال شرقی دیوانخانه قرار داشت و همراه با دروازه خیابان، تنها بازمانده های دروازه ها و باروی شهر به شمار می رود، به دلیل نزدیکی به مجموعه دیوانخانه، «باب عالی» یا «عالی قاپو» نیز نامیده

می‌شد.

گذر ارتباطی درون دروازه، از طریق کوچه حرمخانه وارد بازار حرمخانه می‌شد و در امتداد آن در مسیر بازار کفاش‌ها با دو راسته شمالی-جنوبی بازار تلاقی می‌کرد و پس از آن با نام بازار صفی در غرب مجموعه بازار به کوچه دیگ باشی متصل می‌شد. کوچه دیگ باشی، در حرکت به سمت غرب، در میدان انگج با گذر متصل به دروازه نوبر تلاقی کرده و از این پس با نام کوچه «دروازه»، به دروازه گجیل می‌رسید. امتداد این گذر در بیرون دروازه، با اندک تغییر محور به جنوب غربی، از بافت شهر خارج می‌شد و به شکل جاده بیرون شهری، به طرف مراغه امتداد می‌یافت.

راسته بازار حرمخانه، کفاشها و بازار صفی که بر روی محور شرقی-غربی اردبیل-مراغه شکل گرفته، همراه با محور موازی واقع در شمال آن با نام «قیزبستی بازار» اصلی‌ترین محورهای عرضی بازار هستند که مجموعه حکومتی دیوانخانه در شرق و مسجد جامع در غرب بازار را به هم می‌پیوسته‌اند. از محور شرقی-غربی، در نقطه تلاقی با راسته کوچه، شاخه فرعی دیگری منشعب می‌شد که از طریق میدان ویجویه به دروازه فرعی ویجویه می‌رسید و امتداد آن به پل منجم وصل می‌شد. در بخش غربی این گذر نیز، گذر تعلق‌گیران و کوچه میارمیار که دو دروازه مهادهمین و گجیل را به هم متصل می‌ساخته همراه با کوچه پستخانه که تا انشعاب از میارمیار، دروازه مهادهمین را



کروکی شماره ۱- شکل گیری هسته مرکزی شهر در محل برخورد دو راه ارتباطی مهم



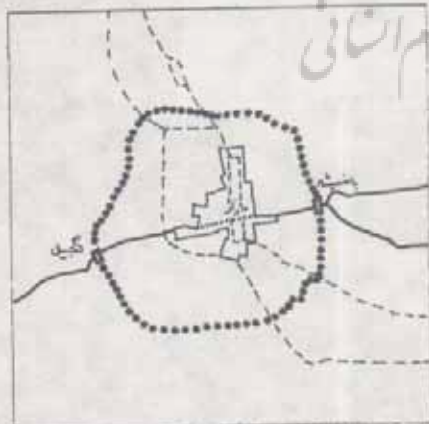
کروکی شماره ۲- بازار و دروازه‌های پیرامون هسته مرکزی شهر

به گذر حد فاصل دیک باشی و دروازه نویر و از طریق کوچه انجمن به بازار مرکزی می پیوسته، از محورهای ارتباطی مهم به شمار می روند. اهمیت ارتباطی-بازرگانی-جاده ری-استانبول در مقایسه با جاده اردبیل-مراغه سبب گسترش محور اصلی بازار در راستای شمال-جنوب شده، تا جایی که، بازار در امتداد این محور از رودخانه گذشته و در شمال آن توسعه یافته است.

در داخل بارو، علاوه بر گذرهای اصلی که دروازه ها را از طریق گذرهای شعاعی به مجموعه بازار وصل می کرد، یک گذر حلقوی تقریباً ممتد و پیوسته موازی با بارو، دروازه ها را به هم مربوط می کرد. از مهم ترین بخش های این گذر حلقوی، در قسمت شرقی، گذر متصل کننده دروازه خیابان به دروازه باغپیشه است که به صورت یک مسیر منحنی در حرکت به شمال، در نزدیکی رودخانه دو شاخه می شد. شاخه شمالی-جنوبی از طریق پل و کوچه «ملاباشی» به دروازه سرخاب می رسید و شاخه شرقی-غربی نیز به بازار می پیوست و راسته «درب عباسی» در امتداد آن شکل گرفته است. همچنین گفته شد این بارو فقط بخش مرکزی شهر را در بر می گرفت و بسیاری از محله های تاریخی شهر مانند خیابان، مارالان، چرنداب، اهراب، امیرخیز، شتریان و ششگلان در بیرون آن قرار داشتند. از همین رو، در اثر بازسازی سریع شهر در سال های پس از زلزله، بارو کارکرد حفاظتی خود را از دست داد. با این همه، بارو تا سال ۱۲۲۳ ق/ ۱۸۲۸م که ایران در جنگ با روسیه شکست خورد و سپاه روس تبریز



کروکی شماره ۳- شکل گیری محورهای شمالی-جنوبی بازار در امتداد راه ارتباطی اصلی



کروکی شماره ۴- تبدیل راه ارتباطی شرقی-غربی به محور عرضی بازار

را اشغال کرد، پلبرجا بود و از این زمان رو به تخریب رفت. درباره حدود شهر تبریز به نقل از سفرنامه بازرگانی سوئسی که در حدود ۱۲۸۴ق/۱۸۶۷م تبریز را دیده در مرآت البلدان چنین آمده است که: «تبریز عبارت از دو شهر است: یکی خارج و یکی داخل. شهر داخل به واسطه حصنی که دارد مستحکم به نظر می آید. ولی استحکامی ندارد. با وجود بروج مدور و ارگ ها که جای آلات و ادوات حرب بوده و نیز با وجود خندق و دو حصار، دفع دشمن به طوری که باید نمی توان کرد و حصار شهر داخل را دروازه های متعدد هست. . . بیرون دروازه ها آبادانی هاست که مثل شهری شده است و از هر طرف محیط به دیوار شهر داخلی می باشد.»

عامل دیگر در خنثی شدن نقش کارکردی بارو و نتیجتاً تخریب آن، رشد بسیار سریع جمعیت شهر و توسعه آن در اثر این افزایش پس از جنگ های اول و دوم ایران و روس بوده است. در حالی که تنکوانی در ۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م جمعیت شهر را بین پنجاه تا شصت هزار و دوپره در ۱۲۲۴ق/۱۸۰۹م چهل هزار نفر ذکر کرده است. آمار سال ۱۲۵۸ق/۱۸۴۲م ساکنین شهر را نه هزار خانوار و از صد تا صدویست هزار نفر نشان می دهد. در واقع جنگ های ایران و روس باعث شد که جمعیت بسیاری از ولایات قفقاز که ضمیمه خاک روسیه گردیدند به تبریز مهاجرت کنند و از آنجا که شهر در داخل بارو گنجایش اسکان این همه جمعیت را نداشت ناگزیر در اطراف توسعه یافت.

محلله بندی تاریخی بافت شهری

گستره بافت شهری تبریز، از دیرباز به شماری محلله تقسیم شده است. بی گمان شماره، محدوده و نام محلله ها، طی تاریخ طولانی شهر، بارها تغییر یافته است. برای نمونه، یک جهانگرد ترک در سده ۱۷ میلادی، تبریز را متشکل از یازده محلله با نامهای زیر می داند: دمشقیه، پل باغ، میخواران، زرجو، شتریان، دیک، خیابان، امیره قیز، سرخاب، چارمیلار، ری. تردیدی نیست که زرجو همان «ورجی» (ویجویه) است که قبله این صورت نوشتاری شاهنامه استوار آمده است که کدام محلله ها را در آن روزگار «پل باغ»، «میخواران» و «ری» می نامیده اند. در مقابل، این جهانگرد از محلله های بسیار قدیمی چون «چرندانه»، «اهرانه»، «زور»، «مهادمین»، نامی نبرده است. در هر صورت، محلله بندی بافت شهر، از دوره زلدیه به این سو، کم و بیش همان است که امروزه قابل شناسایی بوده و یک آرایش شعاعی از مرکز شهر رو به بیرون دارد.

محدوده مرکزی شهر که مجموعه بازار، دیوانخانه، مسجد جامع و بافت پیرامون آنها را در درون باروی شهر در بر می گرفت. در جنوب رودخانه «میدان جای»، محلله «چهار منار» نامیده می شد. تنها بخشی کوچکی از محدوده درون بارو، در لبه های شمالی، غربی و جنوب غربی، جزو محلله های دیگر به شمار می رفت. بخش شمال رودخانه، جزو محلله شتریان بود و قسمت کوچکی در شرق آن نیز در محدوده محلله «سرخاب» قرار داشت. در بخش غربی محدوده درون بارو، کوی

«راسته کوچک» قرار داشت که بخشی از محله «ویجویه» به شمار می‌رفت و در بخش جنوب غربی نیز کوی «ارمنستان» از محله «مهادمهین» قرار گرفته بود. به احتمال بسیار، این دروازه‌ها، نقاط ورود و خروج محله‌های پیرامونی به محدوده مرکز شهر بوده‌اند و نه دروازه‌های ورودی و خروجی شهر. این احتمال با توجه به این واقعیت که بجز محله مرکزی «چهار منار»، همه محله‌های شهر در بیرون از بارو قرار داشته‌اند تقویت می‌شود. اهمیت مجموعه بازار و نقش آن در موجودیت شهر از یک سو، و قرار داشتن مجموعه دیوانخانه در بخش مرکزی شهر از سوی دیگر، ضرورت ایجاد بارویی در پیرامون هسته مرکزی را موجه می‌نمایاند. اما گفته شده است که در روزگار اوج رونق شهر در دوره ایلخانان، هر محله دارای باروی جداگانه بوده و باروی اصلی شهر نیز، همه محله‌ها را در میان می‌گرفته است.

در همین زمینه، جهانگردان به وجود ده دروازه (حمداله مستوفی) و شش دروازه (همان جهانگرد ترك پیش گفته) اشاره کرده‌اند. جهانگرد ترك، شش دروازه شهر را این چنین نام می‌برد: دروازه اوجان، دروازه سروان، دروازه سردرود، دروازه شام‌غازان، دروازه سرآو، دروازه ری.

از نام این دروازه‌ها چنین بر می‌آید که در بیرونی‌ترین حد شهر و در میدانی ورودی خروجی اصلی شهر قرار داشته‌اند. دروازه «اوجان» در شرق شهر بر سر راه تبریز-اوجان قرار داشته، دروازه «سرآو»، که «سرو» نیز خوانده می‌شد و همان «سراب» امروزی است، ورودی شمال شرقی شهر بوده، دروازه «ری» در جنوب شرقی شهر واقع بوده، دروازه «شام‌غازان» ورودی غربی شهر به شمار رفته و دروازه «سردرود» (یا سرد) نیز، بر سر راه تبریز-سراغه (که از روستای سر درود می‌گذرد) در جنوب غربی شهر قرار داشته است. به این ترتیب می‌توان گمان برد که دروازه «سروان» نیز احتمالاً در شمال غربی شهر جای داشته است. بازتاب وجود باروهای جداگانه برای محله‌ها را، در نام «ایکی قالا آراسی» به معنای (میان دو قلعه)، که هنوز هم در تبریز متداول است می‌توان دید.

به رغم دگرگونی‌های بسیاری که در اثر اقدامات گوناگون در بافت شهری تبریز رخ داده، نظام محله‌بندی تاریخی آن، دست‌کم در چند گساربرد نام‌ها و وابستگی ذهنی بشهروندان به محله‌ها و کوی‌ها، هنوز کارایی خود را از دست نداده است. در این چارچوب، در بافت شهری تبریز، نه محل اصلی قبل شناسائی است. محله‌های همجواری اگر چه با مرزبندی مشخصی از هم جدا نمی‌شوند، ساختار کالبدی آنها هنوز هم در شکل گذرهای اصلی و فضاهای شهری عمده و کوی‌های داخلی هر محله پابرجاست.

باغمیشه. در شرق شهر و بالای رودخانه قرار دارد. «بیلانکوه»، «قله»، «پل سنگی» و «شکلان» از کوی‌های آن به شمار می‌روند.

خیابان. بخش‌های واقع در جنوب رودخانه در شرق شهر که تا جنوب شرقی نیز می‌رسد. از کوی‌های آن می‌توان «مارالان»، «غیاث» (قیاس) و «کمش قیه» (دمشقیه) را نام برد.

نوبر. بخش‌های جنوبی بافت شهر را در غرب «خیابان» در بر می‌گیرد. قسمت بسیار کوچکی

از آن در پیرامون دروازه نوبر در درون بارو قرار داشته است و «مقصودیه» شناخته شده ترین کوی آن است.

مهادمهین - بخش وسیعی از بافت شهری تبریز که در جنوب و جنوب غربی هسته مرکزی قرار دارد، محدوده این محله را تشکیل می دهد. کوی های متعددی مانند «چرانداب» (چهار انداب)، «لیلاوا» (لیل آباد)، «اهراب» و «ارمنستان» بخش های آن به شمار می روند.

قره آغاج - گستره باغ ها و زمین های واقع در غرب شهر را در بر می گیرد بخشی از آن «کوچه باغ» نامیده می شود و در سمت غرب، بخش های «خطیب»، «آخونی» و «شام غازان» در محدوده آن قرار دارند. «درب گجیل» نیز بخش دیگری از محله بوده است.

ویجویه - در شمال قره آغاج قرار دارد. بخش شرقی آن در داخل بارو قرار داشته و «راسته کوچه» نامیده می شود. بخش دیگر محله «سنجران» نام داشته و در سمت غرب به بخش های «چوست دوزان»، «عموزین الدین»، «هکماوار» (حکم آباد) و «جامیشاوا» (گاو میش آباد یا جمشید آباد) می پیوندد. مینورسکی ذکر می کند که «سنجران» نام یکی از دروازه های ده گانه بارویی است که قبل از باروی غزانی بر گرد تبریز بوده است.

امیره خیز - بخش های شمال رودخانه میدان چای را در سمت شمال غربی شهر در بر می گیرد. شتریان (نوجی) - بخش وسیعی از بافت شهری واقع در شمال رودخانه میدان چای، حد فاصل رودخانه و کوه عینعلی، محدوده این محله را تشکیل می دهد. بخش شمالی مجموعه بازار در بالای رودخانه، به شکل میدان صاحب آباد و بازار چه شتریان، قسمتی از این محله است که درون باروی شهر قرار داشته است.

سرخاب - در شمال شرقی هسته مرکزی شهر در حد فاصل محله های شتریان و باغمیشه قرار دارد.

نام «سرخاب» که هم به کوه سرخ رنگ شمال شهر (کوه عینعلی) و هم به محله واقع در دامنه آن گفته می شود، بی تردید برگرفته از سیلابهای سرخ رنگی است که از کوه سرازیر شده و با عبور از محله سرخاب، به رودخانه می ریزد. گفته می شود که نام «شتریان» (شتریان)، به دلیل سکونت بازرگانان ثروتمندی که بیشتر آنها دارای شتر برای حمل کالا بوده اند، به این محله اطلاق شده است. درباره نام «میارمیار» گفته می شود حمدالله مستوفی نام قدیم محله را به دلیل مناری که برای روشنایی شبانه در مرکز محله قرار داشت، «منارمیان» و «نارمیان» آورده و این نام رفته رفته در گویش روزانه مردم به شکل میارمیار درآمد است.

شماری از نام ها، منسوب به اشخاص نامدار تاریخی است. برای نمونه «مقصودیه» بازمانده از عمارتی به همین نام است که از آثار مقصودبیک بن حسن پادشاه آق قویونلو بوده است. بنای محله «خطیب» به خطیب تبریزی معروف به صدرالدین برادر تاج الدین تبریزی منسوب است. نام «دمشقیه»

نیز بازمانده از باغ و عمارتی به همین نام است که توسط «بغداد خاتون» دختر «امیرچوپان» به نام برادرش «دمش خواجه» بنا شده بود. هر چند که دلیل بسیاری از نام گذاری‌ها ناشناخته است و معنای نام‌هایی مانند «گجیل»، «هراب» و برخی دیگر هنوز پنهان مانده است، اما بر اساس نظریات محققانی چون دکتر یحیی ذکاء، درباره شماری از این نام‌ها توضیحاتی می‌توان ارائه داد، مثلاً می‌توان گفت: نام‌های «مهادهمین» و «امیرخیز» و خاستگاه اصلی و شکل درست آنها آمده، به این نکته اکتفا می‌کنیم که شکل درست نام «مهادهمین»، «مادمیهن» به معنای جایگاه مادها است و نام «امیرخیز» نیز در اصل «امیره خیز» به معنای کشتزار یا سبزه زار امیر بوده که در تلفظ بومی نیز به همین شکل گفته می‌شود. اما درباره نام‌هایی چون «ششگلان»، «لیلاوا»، «ویجویه» و «باغمیشه» نظریاتی به شرح زیر وجود دارد.^۲

ششگلان. در دامنه‌های کوه سرخاب، بر روی تپه ماهورهایی قرار گرفته است که با بریدگی‌های متعدد از هم جدا می‌شوند. در میان این بریدگی‌ها، مردم با شاخ و برگ راه آب رابسته و با ایجاد آبگیر، آب را به کشتزارها هدایت می‌کردند. این آبگیرها در زبان آذری قدیم «سل» و آبی که از آن خارج می‌شد «سلاّب» نام داشت. برای هدایت آب اضافی سل (آبگیر) به رودخانه، نقب‌هایی در زیر زمین حفر شده بود که از زیر اراضی محله سلاّب‌های اضافی را به رودخانه می‌ریخت. این نقب‌ها در زبان آذری قدیم، «کهیل»، «کول» یا «کیل» نامیده می‌شد و هر یک از دو سل اصلی یاد شده، دارای سه کیل بود. به این ترتیب، محله ششگلان که بر روی شش کیل قرار داشت، شش گیلان یا «شش کهلان» نامیده می‌شد و به مرور به «ششگلان» تبدیل شده است.

لیلاوا. آب قنات‌های اصلی این محله به دلیل صاف بودن و جنس تلی رنگ آبروها، آبی بوده و از همین رو محله را «تیل آبه» نامیده‌اند. این نام در گویش مردم رفته رفته به «لیلابه» و «لیلاوا» تغییر شکل داده است.

ویجویه. این نام که «ورچی» نیز گفته می‌شود، در اصل «ورجویه» بوده است. بسیاری از تبریزی‌ها، حرف «ر» را «ی» تلفظ می‌کنند و به همین دلیل نام «ورجویه» به معنای کنار جوی یا نزدیک جوی در تلفظ روزمره به «ویجویه» تبدیل شده است.

باغمیشه. این نام در گویش تبریزی «باغمیشه» گفته می‌شود. «مشه» در زبان آذری به معنای جنگل و بیشه است. باغ نیز در اصل «بع» بوده که در زبان فارسی به معنای خداست. بنابراین شکل درست این نام، «بع مشه» به معنای «بیشه زار خدا» بوده است که با توجه به وجود آتشکده «قله» پذیرفتنی می‌نماید.

نکته ای که در اینجا باید یادآور شد استقرار شهر تبریز در زمین‌های پست دره ای است که پیرامون آن را کوه‌های بلند فرا گرفته‌اند. در دوره پیش از اسلام، این دره و شهر تبریز با چهار آتشکده مشخص می‌شده است. سه تایی این آتشکده‌ها، بر فراز کوه‌ها و بلندی‌های پیرامون مشرف به شهر قرار داشته‌اند؛ یک آتشکده بر «قله» واقع بوده است. آتشکده دیگر، در کوه‌های «یانوق» در جنوب

تبریز بود. نام «یانوق» که در زبان ترکی آذربایجانی، به معنای سوخته و نیز روشن و در حال سوختن است، بی ارتباط با آتشکده و آتش روشن درون آن نیست. سومین آتشکده، برفراز کوه «سرخاب» و در همان نقطه ای که در میان عوام به مقبره «عون بن علی» معروف است قرار داشت. پیشینه تاریخی «قله» و بخش های پیرامون آن که در دوره ای جایگاه عارفان و خداجویان بوده و به قله اخی سعدالدین معروف بوده و محله پیرامون آن «بغانکوه» (والیانکوه و یابیلانکوه امروزی) نامیده می شده است نیز در ارتباط با وجود احتمالی آتشکده در آن، توجیه پذیرتر می نماید.

اقدامات شهرسازی و ساختار شهری جدید تبریز در سال های پس از دهه '۱۳۰۰

احداث خیابان های شهری

با روی کار آمدن حکومت پهلوی در آغاز سده چهارده هجری، در تبریز نیز همانند با دیگر شهرهای مهم کشور، اقداماتی در جهت تغییر سیمای گالبدی آن از یک شهر سنتی به شهری امروزی صورت می گیرد. نخستین اقدام در این زمینه، احداث خیابانهای عرضی و مستقیم اتومبیل روست که به عنوان مظهر تجدد و پیشرفت، همواره مورد استقبال مردم قرار می گیرد. نخستین خیابان احداث شده در تبریز، خیابان پهلوی است که در فاصله سال های ۱۳۰۵-۱۳۰۰ به دستور عبدالله خان طهماسبی فرمانده لشکر آذربایجان احداث شده است. این خیابان که پس از انقلاب به نام خیابان امام خمینی (ره) نامگذاری شد، به عنوان مسیر ارتباطی میان جاده تهران-تبریز و تبریز-مراغه، از حوالی چهارراه منصور تا میدان «گونگاباشی» کشیده شده است. خیابان پهلوی در بخش شرقی بر بستر «خیابان» که از زمان قاجاریه جاده فراخ ورود به شهر بود و در بخش میانی بر جای باروی تخریب شده شهر قرار گرفت. بخش غربی این خیابان نیز از فضای باز جنوب گورستان گجیل عبور داده شد. این خیابان از شمال محوطه ارگ علیشاه می گذرد و دروازه های توپرو، مهانه پهن همراه تا بخش جنوبی باروی شهر در مسیر آن قرار داشته اند.

همزمان با احداث خیابان پهلوی، محوطه پیرامون ارگ علیشاه به باغ ملی و گردشگاه عمومی تبدیل شد. در مجاورت آن و در بخشی از زمین های محوطه ارگ در سال های بعد مرکز خدماتی و تفریحی مانند بیمارستان شیر و خورشید، سالن تئاتر، دبیرستان، کتابخانه و... ساخته شد. در سال ۱۳۰۷ در گزارشی از این تحولات آمده است: «شهر تبریز دارای خیابان عالی و باغ قشنگی است که اهالی وقت غروب از هر طبقه برای تفریح و رفع خستگی از مشاغل روزانه خود به آنجا می روند و دو سینما در شهر تبریز دایر است...»^۳

در سال های بعد، خیابان پهلوی از دو سو امتداد یافته، از شرق به دروازه تهران و از غرب به جاده های مرند (در شمال غرب) و مراغه (در جنوب غرب) می پیوندد. بخش شرقی این خیابان،

منطبق بر بستر «خیابان» به دروازه تهران رسید. توسعه بخش غربی آن نیز با استفاده از مسیر حرکت گونگا (واگن آسی) در حد فاصل میدان گونگاباشی و ایستگاه راه آهن انجام شد. خط واگن آسی تبریز، برای انتقال مسافران از شهر به «واغزال» (ایستگاه راه آهن)، که در بیرون از شهر و در سمت غرب قرار داشت احداث شده بود. واغزال، نام روسی ایستگاه راه آهن تبریز-جلقا است که در فاصله سال های ۹۵-۱۲۹۰ ش/۱۹۱۶-۱۹۱۱ م، با سرمایه بانک استقراسی روس احداث شد. واژه های «گونگاباشی» و «واغزال» هنوز هم در گفتگوی روزمره مردم تبریز به کار می رود.

پس از احداث خیابان پهلوی، از سال ۱۳۰۶ اقدامات وسیعی در زمینه بازگشایی خیابان های متعدد منشعب از خیابان پهلوی آغاز شد. در سال ۱۳۰۷ محمدعلی تربیت به سمت شهردار تبریز منصوب شده و عملیات عمرانی مربوط به احداث چندین خیابان شمالی-جنوبی آغاز گشت. در گزارشی از این عملیات آمده است که «... این دو روزه مشغول امتداد خیابان نظامیه از محله نوبر و اتصال آن به خیابان پهلوی و افتتاح خیابان جدیدی که از خیابان پهلوی مقابل باغ ملت شروع و از بازار عبور کرده به محله شتریان می رسد و ایجاد خیابانی که خیابان پهلوی را به پل آجی متصل می نماید و امتداد خیابان فعلی گمرک از خیابان پهلوی به محله سرخاب هستند و خیابانی که سال گذشته بین خیابان پهلوی و ششگلان شروع شده بود این اوقات به اتمام رسیده...»^{۴۷}

این خیابان ها که بعدتر به ترتیب شاهپور جنوبی، فردوسی، منجم، خاقانی و منصور (هنام با استاندار وقت آذربایجان علی منصور) نامیده شدند در فاصله سال های ۱۰-۱۳۰۷ که محمدعلی تربیت شهردار تبریز بود، تکمیل گردیدند. در همین دوره گنبر حد فاصل دروازه نوبر و دیک باشی، تعریض و به نام شهردار وقت «خیابان تربیت» نامیده شد.

یکی دیگر از اقدامات شهرسازی برجسته دوران شهرداری محمدعلی تربیت، تبدیل گورستان نیمه متروکه گجیل به پارک شهر است، که عملیات اجرایی آن از سال ۱۰-۱۳۰۷، آغاز شده و در سال های بعد باغ گلستان نام گرفته و در سال پایانی این دوره با احداث خیابان شاه بختی (جمهوری امروزی)، حد فاصل خیابان خاقانی و فردوسی در دستور کار شهرداری قرار گرفت. در همین رابطه، روزنامه اطلاعات خبر می دهد: «... بلدیة شهر نظریع به خاک ریزی خیابان مقابل عمارت ایالتی را نموده...»^{۴۸} و چند ماه بعد در خبری دیگر آمده است: «... همچنین جهت ساختمان خیابان جلوی شمس العماره اقدام و مشغول کار هستند»^{۴۹}

در سال های ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ چهار میدان در چهار گوشه باغ گلستان ایجاد شد که در هر کدام، مجسمه یکی از پادشاهان نامدار گذشته را برپا کردند. در همین زمینه، روزنامه اطلاعات خبر می دهد: «به قرار اطلاع واصله از تبریز، بلدیة آنجا مقدمات نصب مجسمه های سلاطین بزرگ را در اطراف میادین جدید الاحداث آنجا فراهم نموده و برای ترتیب نصب آنها و فراهم بودن مقدمات این کار مراتب به وزارت داخله اطلاع داده شده و استجازه نموده اند که در صورت تصویب پیشنهاد بلدیة

شروع به نصب مجسمه‌های مزبور بنمایند^{۴۷}.

برجسته‌ترین کار عمرانی این دوره، احداث ساختمان «ساعت» به عنوان شهرداری تبریز در محل گورستان متروکه نوبر است. عملیات اجرایی این پروژه که نقشه آن توسط مهندسان آلمانی تهیه شده بود، از سال ۱۳۱۴ ش/ ۱۹۳۵ م آغاز شد و چهار سال بعد به پایان رسید. اما تکمیل نهایی ساختمان، بر اساس خبری که در روزنامه اطلاعات آمده تا نیمه دوم سال ۱۳۲۰ به درازا کشید: «... عمارت شهرداری که بسیار باشکوه می‌باشد و در سال‌های اخیر ساخته شده برای تکمیل آن مشغول کار می‌باشند^{۴۸}. بر روی لوح یادبودی که در کنار ورودی اصلی ساختمان مزبور در دیوار کار گذاشته شده، نام ساختمان «عقاب در حال پرواز» نوشته شده است. نقشه ساختمان از بالا، ضمن تأیید همانندی کلی شکل بنا با نام یاد شده، یادآور نقش عقاب به عنوان نماد حکومت آلمان دوره هیتلری و نشان دهنده خاستگاه سبک معماری ویژه به کار گرفته شده در این ساختمان نیز هست.

در همین تاریخ خیابان دانشسرا از میدان دانشسرا تا خیابان منصور کشیده شد^{۴۹}. همچنین مقدمات احداث خیابان عباسی در محله ششگلان فراهم آمد؛ «در برزنهای شمال شهر مثل ششگلان و ... جاهای بسیاری است که پر جمعیت می‌باشند و خیابانهای کوتاهی دارند. در برنامه جدید احداث خیابانی به طول شش کیلومتر در نظر گرفته شده که برزن‌ها را از دروازه «اهر» به میدان بل شاهی خیابان خاقانی متصل می‌کند و مشغول نقش برداری اماکن مسیر خیابان هستند^{۵۰}.

به دنبال وقعه‌ای که در اثر جنگ جهانی پیش آمده بود، از سال‌های نیمه دوم دهه ۱۳۲۰ ش، دوره دیگری از اقدامات شهرسازی و فعالیت‌های عمرانی در تبریز آغاز شد. ساختمان استانداری در سال ۱۳۲۶، بر روی ویرانه‌های عمارت سوخته عالی قاپو و در مجاورت آن ساختمان‌های بانک ملی و اداره دارایی، در محل «جبه‌خانه» سابق احداث شد. در بخش شرقی زمین‌های دیوانخانه قاجاری چند واحد آموزشی ساخته شد و ساختمان شهربانی نیز در قطعه زمین باقیمانده از جبه‌خانه که در جنوب

خیابان شاخ بختی قرار گرفته بود احداث گشت^{۵۱} نامی و مطالعات فرسنگی

مکانی که مجموعه اداری-سیاسی جدید شهر در آن ساخته شد، از دیرباز به عنوان دیوانخانه و مرکز حکومتی شهر تبریز شناخته می‌شد. مهم‌ترین بنای مجموعه دیوانخانه، عمارت عالی قاپو بود که در دوره حکومت زندیه، توسط نجفعلی خان پسر قلی خان دلبلی ساخته شده بود. این ساختمان که در آغاز «باب عالی» نامیده می‌شد، عمارت چهار طبقه‌ای بود که کلاه فرنگی بلندی بر فراز آن قرار داشت.

در زمان عباس میرزا، با نام عالی قاپو به عنوان محل اقامت ولیعهد قاجاری مورد استفاده قرار گرفت و به هنگام ولیعهدی مظفرالدین میرزا، به تقلید از کاخ شمس‌العماره تهران، «شمس‌العماره» نامیده شد. در زمان مظفرالدین شاه، تعمیر کلی در ساختمان به عمل آمد و پشت شمس‌العماره، در بخش شمالی مجموعه دیوانخانه، عمارت «حرمانخانه» ساخته شد. پس از روی کار آمدن حکومت پهلوی نیز، این مجموعه و به ویژه عمارت شمس‌العماره مقر والی آذربایجان بود و در میان مردم با نام «ساختمان ایالت»

شناخته می‌شد.

در سال ۱۳۱۲، به هنگام استانداری ادیب السلطنه سمیعی، عمارت شمس‌العماره به علتی نامعلوم در آتش سوخت و تا سال ۱۳۲۶ که ساختمان استانداری جدید بر روی آن ساخته شد، ویرانه‌های آن بر جا بود. عمارت حرمخانه نیز در سال ۱۳۴۸، تخریب و به جای آن ساختمان فرمانداری ساخته شد. در همین دوره، بخش شمالی خیابان شاهپور، از میدان شهرداری تا مقابل استانداری امتداد یافت و در محل برخورد آن با خیابان شاه‌بخشی، در محل توپخانه قدیم میدان قیام (شهدای امروزی) در برابر استانداری و شهربانی شکل گرفت.

به دنبال این اقدامات، در آغاز دهه ۱۳۳۰، خیابان شهناز (شریعتی امروزی) از محله لیلوارو به شمال گشوده شد و بخش شمالی آن در بالای خیابان پهلوی تا دیک باشی امتداد یافت و به انتهای غربی خیابان تربیت و ابتدای راسته کوچه وصل شد. با احداث بخش شمالی خیابان شهناز، که دقیقاً از نقطه‌ای که پیش‌تر دروازه مهادمهین در آن قرار داشت، می‌گذرد، کلیسای پروتستان که در مسیر خیابان قرار گرفت و تخریب شد و بخشی از زمین آن در ضلع غربی خیابان باقی ماند. این کلیسا، بعدها در سال ۱۳۳۵ در نقطه دیگری در جنوب محله ارمنستان از نو ساخته شد و در زمین باقیمانده از محل سابق آن در خیابان شهناز شمالی نیز، در سال ۱۳۴۲، مجموعه هتل و سینما آسیا (آذربایجان امروزی) احداث شد.

پس از رویدادهای مرداد ۱۳۳۲، در سال‌های میانی آن دهه، شمار دیگری از خیابان‌ها در محدوده مرکزی شهر کشیده شد. خیابان منصور از شمال امتداد یافت و با عبور از رودخانه به خیابان عباسی پیوست. خیابان دارایی در لبه شرقی مجموعه بازار، از خیابان شاه‌بخشی تا کرانه جنوبی میدان چای کشیده شد و امتداد خیابان خاقانی در شمال رودخانه، با نام ثقة‌الاسلام تا بخش‌های مرکزی محله سرخاب احداث گشت.

در سال ۱۳۳۷، خیابان شمس‌تبریزی که شمالی‌ترین خیابان شرقی-غربی تبریز به شمار می‌رود، با عبور از محله‌های شتربان و امیرخیز، خیابان ثقة‌الاسلام را به پل و میدان انجم متصل کرد. در همین زمان خیابان ملل متحد (فلسطین امروزی) نیز، از میدان گوشه شمال شرقی باغ گلستان، به خیابان شمس‌تبریزی وصل شد. دروازه گنجیل که تا این زمان پابرجا بود، با اینکه در لبه غربی خیابان ملل متحد و بیرون از حریم خیابان قرار می‌گرفت، در اثر بی‌توجهی مسئولان وقت شهرداری تخریب شد و از میان رفت. با ایجاد دو خیابان یاد شده، محدوده مرکزی و هسته تاریخی شهر در درون یک چهار ضلعی قرار می‌گیرد که مجموعه بازار، دقیقاً در بخش مرکزی آن جای دارد. این چهار ضلعی که خیابان‌های پهلوی سابق و خاقانی لبه‌های جنوبی و شرقی آن هستند و در لبه‌های شمالی و غربی با خیابانهای شمس‌تبریزی و ملل متحد تعریف می‌شود، از سه لبه جنوبی، شرقی و غربی به محدوده هسته مرکزی مماس است ولی لبه شمالی آن با فاصله از هسته مرکزی قرار گرفته است.

اقدامات شهرسازی و به ویژه احداث خیابان در دهه های بعدی اما، در اغلب موارد فاقد این ویژگی است. مسیر خیابان بدون توجه به بافت و عناصر موجود آن تعیین می شود و گذرهای موجود، در برخورد با خیابان پیوستگی خود را از دست می دهند. نمونه های این حالت را در خیابان های ثقة الاسلام، شمس تبریزی، ملل متحد و شهناز شمالی سابق، آشکارا می توان دید. این خیابان ها، ضمن ایجاد برش در بافت پیرامون در مسیر خود، گذرهای متعدد را با زوایای تند و بسته قطع می کنند و بلوک های شهری بد شکل به وجود می آورند.

شکل گیری مراکز و فضاهای شهر جدید

مجموعه بازار، همواره به عنوان مهم ترین کانون شهری در تبریز عملکرد داشته و موقعیت مراکز شهری دیگر، اگرچه به دلایل مختلف در طول تاریخ و در دوره های مختلف تغییر کرده، اما مکانیابی آنها همواره در رابطه با بازار صورت می گرفته است. با اهمیت ترین این مراکز شهری، مجموعه دیوانخانه یا مرکز قدرت سیاسی است که در برهه ای از تاریخ در بخش شرقی شهر (در حوالی محله ششگلان) قرار داشته، بعدتر در دوره حکومت آق قویونلو به بخش شمال رودخانه منتقل شده و مجموعه میدان صاحب آباد را در شمال بازار شکل داده و از دوره قاجار به این سو نسبت به مسجد جامع که چسبیده به مجموعه بازار و در جنوب غربی آن قرار دارد، به شکلی متقارن در جنوب شرقی بازار و چسبیده به آن مستقر شده است.

دیگر مراکز عمومی شهری تبریز نیز تا پیش از سده چهارده هجری، عمدتاً در هسته مرکزی و یا چسبیده به آن و در لبه محورهای ارتباطی اصلی شهر قرار داشته اند. مهم ترین کانونهای شهری تبریز را تا پیش از سده چهارده به شرح زیر می توان برشمرد: باغ شمال در جنوب هسته مرکزی شهر؛ مسجد کبود در جنوب شرقی هسته مرکزی و در مجاورت محور بازار کهنه که در زمان ساخت مسجد کبود مهمترین محور ارتباطی شهر در بخش شرقی به شمال می رفته است؛ مسجد علیشاه که یادگار پرونق ترین دوزان تاریخ تبریز (دوره غزالی) است و از دوره قاجاریه به عنوان ارگ شناخته می شود؛ سربازخانه و میدان مشق که در شرقاً دیوانخانه قاجاری قرار داشته است و گورستانهای محله های شهر که مشهورترین آنها گورستان گچیل در جنوب غربی محدوده مرکزی و گورستان نوبر چسبیده به دروازه نوبر در گوشه جنوب شرقی هسته مرکزی بوده است. گورستان قدیمی چرنداب در جنوب ارگ علیشاه که مدفن بزرگانی چون قطب الدین محمودین مسعود شیرازی، شمس الدین مظفر، ناصر الدین عبدالله مشهور به قاضی بیضاوی، سلمان ساوجی، خواجه عبدالله صیرفی و خواجه شمس الدین جوینی و... بوده است، و گورستان سرخاب که آرامگاه شاعران و بزرگانی چون خاقانی شروانی، اسدی طوسی، همام تبریزی، ظهیر فاریابی، قتلوان تبریزی و... است و مقبره سید حمزه که در گوشه شمال شرقی هسته مرکزی قرار داشته است.

از فضاهای شهری در مقیاس کلان که بگردیم، به فضاهای عمومی مراکز محله‌ای و عناصر خدماتی پیرامون آنها می‌رسیم. با اینکه بسیاری از فضاهای مرکز محله‌ای در طول زمان و در اثر اقدامات ساختمانی و تعریض معابر و غیره آسیب دیده و از بین رفته‌اند (نمونه مشخص آن از میان رفتن میدان انگج در اثر بازگشایی امتداد غربی خیابان جمهوری است). نمونه‌های جالبی چون میدان ریجویه، مرکز محله مقصودیه، میدان طرلان، میدان سرویجویه و غیره هنوز در میان محله‌های کهن برج‌مانده است.

دگرگونی ساختار شهر در پی اقدامات شهرسازی در سال‌های پس از دهه ۱۳۰۰، زمینه شکل‌گیری فضاهای شهری جدیدی را فراهم آورد که از هر دو وجه عملکردی و کالبدی، از فضاهای شهری سنتی متفاوت بود. در بعد عملکردی، بافت شهر محل استقرار فعالیت‌هایی شد که بسیاری از آنها، زاده شیوه نوین زندگی در آن سوی سرزها بود و پیشینه چندانی نه تنها در تبریز بلکه در کشور نداشت. مهم‌ترین این فعالیت‌ها، آموزش به سبک نوین، فعالیت‌های خدماتی-تجاری و خدمات درمانی و اداری جدید بود که اگرچه در بناهای امروزی مستقر می‌شد اما مکانی‌های آنها در بافت شهری از الگوی معینی پیروی نمی‌کرد. به عنوان نمونه هر جا که فضای باز یا به ویژه گورستان قدیمی متروکه‌ای وجود داشت، برای احداث مدارس جدید مورد استفاده قرار می‌گرفت.

اما در فراسوی تفاوت‌های عملکردی، سبوه کاملاً آشکار تفاوت‌های میان فضاهای شهری قدیم و جدید، در شکل کالبدی دیگرگون ساختمان‌های جدید، که خیابان‌های احداث شده بستر مناسبی برای استقرار آنها بود، نمودار شد. در بافت‌های سنتی، فضای شهری که معمولاً به شکل میدانگاه بود، در محل برخورد چند گذر شکل می‌گرفت و در نمونه‌های سازمان‌یافته‌تر مانند میدان انگج، گذرهای منتهی به میدانگاه به بازارچه‌های سرپوشیده تبدیل می‌شد. مسجد یا تکیه، حمام و چند مغازه، عناصر اصلی فضای شهری بود که در پیرامون میدانگاه جای داشت و آن را شکل می‌داد.

در ساختار شهری جدید، با استقرار کلیه کاربری‌های گوناگون در دو طرف خیابان، معبر به صورت گونه‌ای فضای شهری فعال درآمد و سازمان کالبدی آن از یک هسته کانونی واقع در تقاطع چند گذر، به یک فضای خطی راست و فراخ محصول شده برخلاف فضای شهری سنتی، که در بیشتر نمونه‌ها ارزش صرفاً عملکردی داشت و در چارچوب موروثی معماری سنتی، فاقد بدنه‌سازی بود. در ساختار خطی فضای شهری جدید، بدنه‌های دو سوی گذر اهمیت یافت و به نشانه بازتاب ارزش گذر به عنوان فضای شهری، موضوع طراحی معمارانه قرار گرفت.

خیابان به مثابه فضای شهری، به عنوان پدیده‌ای غیربومی وارد شهر سنتی ایرانی شد. شهر تبریز به واسطه موقعیت جغرافیایی و تاریخی ویژه خود، در این مورد نیز همانند موارد متعدد دیگر، یکی از نخستین شهرهای کشور بود که این پدیده جدید در آن استقرار یافت که خیابان‌های پهلوی سابق، تربیت و فردوسی نمونه‌های بارز این گونه فضای شهری جدید هستند.

ناگفته نماند که شکل‌گیری فضاهای شهری جدید (به ویژه سویه عملکردی آنها) در تبریز، چندی سال پیش از اقدامات مربوط به دوره پهلوی اول، آغاز شده بود. تبریز، به ویژه از نیمه سده سیزده هجری، به عنوان دومین شهر بزرگ کشور و شهر ولیمه‌نشین، در هر دو زمینه بازرگانی و فرهنگی، پل ارتباطی ایران با قفقاز، عثمانی و اروپا به شمار می‌رفت. از این رو، هر پدیده جدیدی، خواه اندیشه‌های ضد استبدادی و آزادیخواهانه یا نمودهای فرهنگی و اجتماعی، حتی پیش از تهران، نخست در تبریز نضج می‌گرفت و سپس در جاهای دیگر منتشر می‌شد. به عنوان نمونه، نخستین مدرسه جدید ایران، توسط میرزا حسن رشدیه در سال ۱۳۰۶ق/ ۹-۱۸۸۸م در محله ششگلان تبریز بنیان‌گذاری شده. براساس آگهی‌هایی که در شماره‌های مختلف سال اول روزنامه انجمن تبریز^{۱۱} دیده می‌شود، در زمان یک ساله ۲۵-۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م، نزدیک به شش مدرسه به سبک امروزی در تبریز تأسیس شده بود. سه واحد از این مدرسه‌ها در بازار قرار داشته، سه مدرسه دیگر یکی در محله سرخاب، دیگری در محله چرنداب و سومی دبستان نویر واقع در کوچه صدر بوده است.

نمونه‌های دیگر، تأسیس اولین کتابخانه به سبک نوین توسط محمدعلی تربیت در سال ۱۳۰۰ به نام کتابخانه تربیت و گشوده شدن کودکان باغچه اطفال توسط چهارباغچه‌بان در سال ۱۳۰۳ است. باز هم در روزنامه انجمن تبریز^{۱۲}، آگهی‌هایی در مورد مطلب دکتر آنازاس در مهمانخانه محمدیه (در خیابان محمدیه) و دو داروخانه دیده می‌شود. یکی از این دو داروخانه به نام شفائیه در مقابل بانک استقراضی روس، در خیابان فردوسی شمالی (پیش از احداث خیابان) قرار داشته و توسط فرزند حاجی میرهادی موسس داروخانه مرکزی تأسیس شده بود.

در این میان اما، مهم‌ترین نمونه فضاهای شهری جدید، آنچه معروف به پاساژ - موضوع نوشته دیگر در این مجموعه - است که در بجزوچه مشروطیت شکل گرفته و به عنوان نخستین نمونه، هر دو سویه عملکردی و کالبدی فضاهای شهری جدید را در خود دارد و الگویی اولیه فضاهای شهری خیابان‌هایی چون تربیت و قزوینی به شمار می‌رود.

پژوهش‌های تاریخی و مطالعات فرهنگی

● شایان ذکر است که بخش مهمی از اطلاعات منسوخ‌شده در این مقاله و مقاله مربوط به تغییرات محله «پاساژ» از طرف دانشمند ارجمند، آقای یحیی ذکاء در اختیار خوانندگان قرار گرفته است.

کتابگو ۵۲

یادداشت‌ها

۱- نقشه دارالسلطنه تبریز، تهیه شده در سال ۱۲۹۷ قمری، خريطة تبریز، که در گرم‌گرم جنب مشروطیت و در دوره استبداد صغیر تهیه شده است و مناطق تحت تصرف مشروطه‌خواهان و نیروهای استبداد را نشان می‌دهد، و نقشه هوایی سال ۱۳۴۷ ش، که براساس عکس هوایی سال ۱۳۲۳ و توسط سازمان نقشه‌برداری کشور تهیه شده است.

۲- برگرفته از توضیحات شفاهی و همچنین نوشته های پژوهشگر ارجمند آقای دکتر یحیی ذکاء که مشخصات پاره ای از آن ها در کاتالوگ پایان مقاله آمده است.

۳- روزنامه اطلاعات شماره ۴۷۸ مورخ ۱۳۰۷/۲/۱۰.

۴- روزنامه اطلاعات شماره ۶۲۳ مورخ ۱۳۰۷/۸/۱۵.

۵- روزنامه اطلاعات شماره ۱۲۷۵ مورخ ۱۳۰۹/۱۲/۱۶.

۶- روزنامه اطلاعات شماره ۱۳۸۶ مورخ ۱۳۱۰/۵/۲۰.

۷- روزنامه اطلاعات شماره ۱۸۱۹ مورخ ۱۳۱۱/۱۱/۱۱.

۸، ۹، ۱۰- روزنامه اطلاعات شماره ۲۶۱۳ مورخ ۱۳۲۰/۵/۱۱.

۱۱- روزنامه انجمن تبریز، جلد اول کتابخانه ملی ایران و استانداری آذربایجان شرقی، ۱۳۷۲.

۱۲- پیشین.

در تدوین این نوشته، علاوه بر مآخذ ذکر شده، نقشه ها و کتاب های زیر نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

- تاریخ تبریز، پروفیسور و مینورسکی «عمرات البلدان»، محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تاریخ مشروطه، احمد کسروی؛ تاریخ هجده ساله آذربایجان، احمد کسروی؛ تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، نادر میرزا؛ آثار باستانی آذربایجان، جلد اول، اسبه تاریخی شهرستان تبریز، عبدالعلی کارنگ؛ نامه هایی از تبریز، ادوارد براون؛ زمین لرزه های تبریز، یحیی ذکاء؛ تبریز و پیرامون، ضحیح جوادی؛ تبریز از دیدگاه سیاحان خارجی در قرن هفدهم، انجم بهرامی (دماوردی)؛ تبریز در گذر تاریخ، ایوب نیکبام و فریبرز ذوقی؛ کوی های کهن، سید دیرنگی و یاسمنگی شهر تبریز؛ یحیی ذکاء مجله ایران زمین، سال اول، شماره سوم، مهر ۱۳۷۱؛ تبریز، شهری کهنسال با پیشینه ای پر ماجرا، یحیی ذکاء مجله ایران زمین، سال اول، شماره یکم، اسفند ۷۰.

کتابخانه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی